

ارزیابی چالش‌های اجرای طرح‌های جنگل‌کاری و غنی‌سازی جنگل از دیدگاه کارشناسان در
منطقه بویر احمد

Evaluation of implementation challenges for the plantation projects from the experts' perspective in Boyer Ahmad region, Iran

علیرضا صالحی^{۱*}، سید امیدرضا شبیری^۲، محمد رضا میرزایی قره‌لر^۳

^۱ استادیار گروه جنگلداری دانشکده کشاورزی، پژوهشکده منابع طبیعی و زیست محیطی دانشگاه یاسوج

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جنگلداری دانشکده کشاورزی دانشگاه یاسوج

E-mail: salehi55242@yahoo.com

* نویسنده مسئول

خلاصه

مقاله حاضر به ارزیابی و تحلیل دیدگاه کارشناسان ادارات دولتی که به نحوی در اجرای طرح‌های جنگل‌کاری و غنی‌سازی زیر اشکوب جنگل در راستای طرح صیانت و توسعه جنگل‌های زاگرس تاثیرگذار می‌باشند، در سامان عرفی تولگهی در منطقه بویر احمد می‌پردازد. این مقاله از نوع کاربردی و به روش توصیفی- کمی می‌باشد که در آن از ابزار تحلیلی SWOT جهت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده گردیده است. برای این منظور از پرسشنامه با سئوالات باز استفاده شد تا با شناسایی نقاط قوت (S)، ضعف (W)، فرصت‌ها (O) و تهدیدهای (T) در ارتباط با این طرح‌ها، تأثیرات اجتماعی و معیشتی طرح‌های جنگل‌کاری انجام شده در این منطقه بررسی گردد. جمع‌آوری داده‌ها جهت اولویت‌بندی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در قالب دامنه ۱ تا ۱۰ با در نظر گرفتن گزینه ۱ برای کمترین و گزینه ۱۰ برای بیشترین انجام گردید. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که در مورد نقاط قوت، احیاء و تقویت پوشش جنگلی منطقه با وزن ۱۲۱ در رتبه اول قرار دارد در حالی که از بین نقاط ضعف، عدم وجود تثبیت مالکیت عرصه با وزن ۱۳۰ در رتبه اول قرار گرفته و دیگر عوامل شامل ورود دام به عرصه‌های قرق و زراعت دیم در زیر اشکوب، که ناشی از عدم توسعه یافتگی اقتصادی- اجتماعی و وابستگی معیشتی به منابع طبیعی می‌باشند به ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند. از میان نقاط فرصت، توسعه پایدار منطقه برای کاهش مهاجرت مردم روستا با وزن ۱۱۵ در رتبه اول قرار گرفت. و در مورد عوامل تهدید کننده، آتش‌سوزی‌های صورت گرفته ناشی از عدم مقبولیت اجتماعی با وزن ۱۲۸ در رتبه اول قرار دارد که این خود نیازمند بازنگری و ارائه سیاست‌های مناسب در جهت رفع چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در منطقه می‌باشد

واژه های کلیدی: صیانت از جنگل، جنگلکاری، مقبولیت اجتماعی، زاگرس، کهگیلویه و بویراحمد

Abstract

This study analyzes the views of government experts, who somehow are involved in implementation of the forest plantation and understory enrichment projects in line with the preservation and development project of Zagros forests in Tvlg·hy range allotments in Boyer Ahmad region, Iran. This research could be used as a practical management tool provided by descriptive and quantitative methods, in which SWOT analysis is used to both collecting and analyzing of the data. For this purpose, a questionnaire with open questions (protocol) was used to identify the strengths (S), weaknesses (W), opportunities (O) and threats (T) in connection with the socioeconomic impacts of implementation of these projects. Data collection for this analysis was done by using an approach with a range of 1 to 10 while 1 is for the last and 10 is for the most scale. The results of the analysis show that; for the strengths, restoration and enhancing of the forest cover with a weight of 121 is in the first rank of priority, while among the weaknesses, a lack of consolidation of land ownership with a weight of 130 is in the first rank of priority and the other factors including of entering of the livestock into the preserved areas from grazing, dry land agriculture under the forest story, which are being caused of lack of socioeconomic development and livelihood dependency to the natural resources are in the next ranks, respectively. Among the opportunities, sustainable development to reduce migration of rural people with a weight of 115 was ranked first. And the threat of fire caused by a lack of social acceptability is in the first rank with a weight of 128 that requires review and provides appropriate policy to meet the existing challenges and constraints in the region.

Key Words: Forest preservation, plantation, social acceptability, Zagros, Kohgiluyeh va Boyerahmad

مقدمه

ناحیه رویشی زاگرس با در برداشتن جنگل‌های نیمه‌خشک کشور، در امتداد رشته کوه زاگرس از شمال شهرستان ارومیه در آذربایجان غربی تا حوالی شهرستان فیروزآباد در استان فارس واقع شده است. این ناحیه، وسیع‌ترین منطقه جنگلی کشور را با بیش از ۵ میلیون هکتار وسعت، معادل حدود ۴۰ درصد کل جنگل‌های کشور را در خود جای داده است. حفاظت از آب و خاک، مهیا کردن شرایط زیستی برای جوامع انسانی و تولید محصولات فرعی از مهمترین عملکردها و ویژگی‌های جنگل-های زاگرس به شمار می‌آیند (ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۴). مهمترین عوامل تخریب جنگل‌های زاگرس چرای بی‌رویه دام، زراعت در زیر اشکوب جنگل، تامین سوخت و مصارف روستایی، آفات، امراض درختان جنگلی و آتش‌سوزی و غیره می‌باشد (جزیره‌ای، ۱۳۸۲). با توجه به عوامل تخریب یاد شده، تجدید حیات طبیعی جنگل‌های بلوط غرب همیشه با مشکل رو-به‌رو بوده است که لازم است با کمک تجدید حیات مصنوعی (جنگل‌کاری با بذر و نهال) نسبت به احیاء آنها، اقدام شود (کنشلو، ۱۳۸۰).

زندگی مردم ساکن در این جنگل‌ها نسبت به سایر نقاط، پیچیده‌تر و سخت‌تر است. نبود عرصه‌های کار و تولید، بالا بودن افزایش جمعیت در واحد سطح (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹) و عدم تناسب توسعه اقتصادی متناسب با افزایش جمعیت (مرکز پژوهش و توسعه جنگلداری زاگرس شمالی، ۱۳۸۶)، باعث وابستگی شدید مردم ساکن در این جنگل‌ها به منابع طبیعی این ناحیه شده است. به این ترتیب، احیاء جنگل‌های زاگرس نیازمند توجه خاص به مسائل اجتماعی-اقتصادی روستاییان و عشایر و میزان وابستگی آنان به منابع جنگل و فرآورده‌های آن می‌باشد (مروی مهاجر، ۱۳۸۴).

بعد از ملی شدن جنگل‌ها و مراتع در سال ۱۳۴۲، همراه زمینة وابستگی مردم ساکن جنگل به منابع جنگلی به خصوص زاگرس، مورد دقت واقع قرار نگرفت و جنگل‌ها و مراتع با دو نوع مدیریت سنتی و دولتی اداره شدند. در حال این امر موجب شد که مردم به خاطر بهره‌برداری‌های سنتی، از یک طرف خود را مالک جنگل بدانند و از طرف دیگر با مشکلات مالکیتی با سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و در سطوح منطقه‌ای با اداره‌های کل منابع طبیعی در استان‌ها و ادارات منابع طبیعی در شهرستان‌ها روبه‌رو شوند (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). با گذشت بیش از ۴۰ سال از آغاز تهیه طرح-های جنگلداری در جنگل‌های زاگرس، تصمیم‌سازی‌های متفاوتی برای این جنگل‌ها به اجرا درآمده است. در اکثر موارد تصمیم‌سازی‌های که دستاورد مباحث کارشناسی و کالبدشکافی فنی و تخصصی تصمیم باشد وجود نداشته است. به نظر می‌رسد در شناخت دقیق این جنگل‌ها و الزام‌های مدیریت آن، تاکنون اقدام‌های نهادینه ضروری صورت پذیرفته است (ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۴). برای شناخت دقیق الزام‌های مدیریتی این جنگل‌ها، بررسی پیامدهای مثبت و منفی مدیریت سنتی مردم

محلی ساکن جنگل ضرورت دارد. این امر مهم، باعث نشان دادن هر چه بیشتر نقش این عوامل در برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برای مدیریت جنگل‌های زاگرس می‌گردد.

به منظور اعمال مدیریت دولتی بر عرصه‌های جنگلی در ناحیهٔ رویشی زاگرس، از سال ۱۳۷۶ طرح‌های مدیریت منابع جنگل به مرحله اجرا درآمد ولی به دلیل نواقص و وضعیت‌های این طرح‌ها از جمله عدم توازن بین برنامه‌های آن با برنامه‌های اعتباری سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت، عدم تنظیم جدول مکانی اجرای پروژه‌ها و عدم توجه به برنامه‌های کاهش عوامل تخریب در جنگل‌ها نتوانسته پاسخگوی نیازهای مدیریت جنگل‌های زاگرس باشد (پیرزادیان و همکاران، ۱۳۸۸). طرح صیانت از جنگل‌های زاگرس از سال ۱۳۸۲ به صورت طرح ملی در ۱۱ استان کشور شامل آذربایجان غربی، اصفهان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، فارس، کرمانشاه، کهگیلویه و بویر احمد، کردستان، لرستان و همدان اجرا گردید. استان کهگیلویه و بویر احمد با دارا بودن ۲۰ درصد جنگل‌های حوزه زاگرس و ۸ درصد جنگل‌های کشور از جمله مناطق اجرای طرح مذکور در منطقه زاگرس جنوبی می‌باشد. حفظ، احیاء، توسعه جنگل‌ها و رساندن درصد پوشش جنگلی منطقه زاگرس به مرز ۱۰ درصدی، از مهمترین اهداف طرح صیانت می‌باشد (طرح جنگل‌داری چند منظورهٔ تول‌گهی، ۱۳۸۴). منظور از احیاء و تقویت پوشش گیاهی، توسعه و غنی‌سازی جنگل با کاشت بذر، کشت و توسعه گیاهان دارویی، تامین نهال و غنی‌سازی جنگل با نهال می‌باشد. توسعه و غنی‌سازی جنگل با بذر شامل کاشت بذر گونه‌های بومی است که در عرصه جنگل کاشت می‌شوند. عملیات غنی‌سازی زیر اشکوب جنگل با کاشت بذر گونه‌های مذکور در نقاط فاقد پوشش درختی و درختچه‌ای صورت می‌گیرد.

شهرستان بویر احمد با مساحتی بالغ بر ۴۳۱۷۲۰ هکتار در بر گیرنده عرصه‌ای حدود ۳۲۵۲۵۵ هکتار از جنگل‌های زاگرس می‌باشد. اهداف طرح صیانت در بخش مرکزی بویر احمد شامل شناسایی دقیق محدوده‌های جنگلی، بدست آوردن کمیت و کیفیت جنگل، بهره‌برداری از محصولات فرعی و توسعه و احیای جنگل‌های تخریب شده می‌باشد. اجرای عملیات جنگل-کاری و غنی‌سازی جنگل در بخش مرکزی شهرستان بویر احمد از سال ۱۳۸۲ تاکنون مساحتی بالغ بر ۴۷۱۲ هکتار را به خود اختصاص داده است که شامل مناطق تول‌گهی، سرآبتاوه، پریکدان، تنگ سرخ و مختار می‌باشد. گونه‌های مورد استفاده در جنگل کاری و غنی‌سازی جنگل به روش بذر کاری شامل بلوط، بنه، بادامک، ارژن، مهلب، گلابی وحشی می‌باشند. در منطقه مورد مطالعه بیشترین چالش مربوط به تخریب جنگل کاری‌ها را عمدتاً مسائل اقتصادی-اجتماعی منطقه در برمی‌گیرد (طرح جنگل‌داری چند منظوره تول‌گهی، ۱۳۸۴).

جهت شناخت دقیق الزامات مدیریت طرح‌های جنگل کاری صورت گرفته، بررسی چالش‌های فرا روی مقبولیت اجتماعی آنها از طرف مردم محلی منطقه مورد مطالعه ضرورتی نماید. این امر مهم، باعث نشان دادن نقش این عوامل در برنامه‌ریزی و

تصمیم‌سازی برای مدیریت عملی‌تر طرح‌های جنگل‌کاری و غنی‌سازی زیر اشکوب جنگل می‌گردد. به حداقل رساندن موانع و عوامل منفی و بهره‌وری حداکثر از پیامدهای مثبت از دیدگاه کارشناسان ادارات ذی‌نفع، شرایط اصلاح مدیریت و رسیدن به یک جنگلداری پایدار را در منطقه فراهم می‌نماید. همچنین با مشارکت دادن مردم و جوامع محلی در مدیریت پایدار جنگل‌کاری‌های انجام شده، با واگذاری بخشی از مسئولیت‌های حفاظت، احیاء و توسعه جنگل به مردم روستاهای منطقه مورد مطالعه، زمینه جنگلداری محلی توأم با مشارکت مردمی فراهم می‌شود.

این پژوهش، سعی در شناسایی چالش‌های اقتصادی - اجتماعی اجرای طرح‌های جنگل‌کاری و غنی‌سازی زیر اشکوب جنگل در منطقه تولگی از دیدگاه کارشناسان ادارات دولتی ذی‌نفع را دارد. بدون تردید اگر شناخت لازم و اطلاعات کافی از وضعیت جنگل‌های زاگرس و مدیریت این جنگل‌ها وجود داشت، برخی از طرح‌های جنگلداری پیشین (مانند طرح‌های مدیریت منابع جنگل و طرح‌های صیانت از جنگل‌های زاگرس) که رو در روی اصول کارشناسی بودند (ابراهیمی رستاقی، ۱۳۸۴)؛ در این جنگل‌ها توصیه نمی‌شدند. به این ترتیب هدف از این پژوهش، استفاده از تجزیه و تحلیل سوات برای گردآوری و تلفیق نظرهای کارشناسان (تصمیم‌سازان) در مورد طرح‌های جنگل‌کاری انجام شده در منطقه تولگی، برای دستیابی به برخی الزام‌های مدیریتی در جنگل‌های زاگرس با تأکید بر منطقه مورد مطالعه می‌باشد.

روش شناسی تحقیق

منطقه مورد مطالعه

مساحت منطقه تولگی حدود ۴۹۵۹/۵ هکتار، که از این مقدار ۲۴۸۵/۳ هکتار جنگل، ۱۳۳۵/۲ هکتار مرتع، ۸۰۰ هکتار سطح پیشنهادی جهت خروج دام (قرق) و مابقی را اراضی زراعی غیرقانونی و مستحدثات، مستثنیات و جاده تشکیل می‌دهد. مساحت کل عرصه‌های جنگل‌کاری شده در این سامان تحت عنوان پروژه‌های جنگل‌کاری و غنی‌سازی جنگل حدود ۸۷۸/۵ هکتار می‌باشد که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ ادامه داشته است (طرح جنگل‌داری چند منظوره تولگی، ۱۳۸۴). منطقه مورد مطالعه در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال شرقی شهر یاسوج واقع گردیده است و جزء زیر حوزه رودخانه بشار به حساب می‌آید. مختصات جغرافیایی منطقه در سیستم UTM شامل حداکثر و حداقل طول جغرافیایی ۵۳۷۸۷۴ و ۵۳۹۳۰۱ متر و حداکثر و حداقل عرض جغرافیایی ۳۴۰۲۳۵۶ و ۳۳۹۵۹۸۴ متر می‌باشد که در زون ۳۹ نیمکره‌ی شمالی واقع شده است. حدود اربعه عرصه‌های جنگل‌کاری تولگی از شمال به جاده یاسوج، چیتاب و تقاره خانه و از جنوب به خط الرأس کوه زرد حیدری و کلات و از شرق به محدوده عرفی کالوس و اراضی زراعی تخریبی موجود و در نهایت در غرب به کل مور، بونه خاکی، دره گلی، جاده یاسوج و چیتاب ختم می‌شود.

روش انجام تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و به روش توصیفی-کمی می‌باشد با استفاده از پرسشنامه با سؤالات باز انجام گرفته است. برای بررسی چالشهای مدیریتی موجود (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) تأثیرات اجتماعی و معیشتی طرح‌های جنگل-کاری انجام شده در منطقه مورد مطالعه از کمیته کردن تجزیه و تحلیل سوات در قالب دامنه ۱ تا ۱۰ با در نظر گرفتن گزینه ۱ برای کمترین و گزینه ۱۰ برای بیشترین بر پایه نظرات دست اندرکاران و کارشناسان ادارات و نهادهای دولتی ذی‌نفعدر این طرح‌ها استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل سوات^۱

روش تحلیل سوات (SWOT) یا همان تحلیل نقاط قوت^۲، ضعف^۳، فرصت‌ها^۴ و تهدیدها^۵ یکی از ابزارهای مدیریتی است که برای ارزیابی عوامل داخلی و خارجی تاثیرگذار بر یک سیستم استفاده می‌شود. در مدیریت منابع طبیعی برای برنامه‌ریزی‌های راهبردی و مشخص کردن نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و همچنین قرار گرفتن در مسیر صحیح اهداف مدیریتی تحلیل سوات کمک شایانی را به ما می‌کند. تعداد زیادی از روش‌های برنامه‌ریزی برای تحلیل توام محیط خارجی و داخلی یک طرح یا برنامه وجود دارند. در میان این روش‌ها تجزیه و تحلیل سوات یکی از کاربردی‌ترین روش‌ها محسوب می‌گردد، زیرا فهم ساده‌ای دارد و با ساختن ترکیبی ساده، اطلاعات زیاد و در عین حال مفیدی را در اختیار مدیران قرار می‌دهد. این تجزیه و تحلیل یک رویکرد نظام‌گرا جهت بررسی محیط‌های داخلی و خارجی برای حمایت از فرآیندهای تصمیم‌سازی است. تجزیه و تحلیل سوات با ارزیابی محیط داخلی به بررسی نقاط قوت و ضعف و با بررسی محیط خارجی، فرصت‌ها و قوت‌ها، عوامل پشتیبانی از طرح‌ها هستند که تهدیدهای فراوی یک برنامه را سنجش می‌نماید (کاجانوس^۶ و همکاران، ۲۰۰۴) که باعث برتری یک طرح یا برنامه محسوب می‌گردند. ضعف‌ها، عدم مهارت‌ها و عدم توانایی‌هایی هستند که موانع جدی برای عملکرد موفقیت آمیز یک طرح یا برنامه ایجاد می‌کنند. فرصت‌ها، موقعیت‌های مطلوب و منافع حاصل از اجرای برنامه در محیط خارجی یک برنامه هستند و تهدیدها، موانع اجرای برنامه در محیط خارجی هستند. نتایج این تجزیه و تحلیل، بیان می‌نماید یک سازمان چگونه می‌تواند راهبردهای خود را با نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی سازگار نماید (سری‌واستاتا^۷ و همکاران، ۲۰۰۵).

1 -S.W.O.T. analysis

2 -Strength

3 -Weakness

4 -Opportunity

5 -Threats

6 - Kajanus et al

7- Srivastata et

تجزیه و تحلیل دست اندرکاران و کارشناسان ذی نفع^۱

مفهوم تجزیه و تحلیل دست اندرکاران ریشه در حوزه مدیریت دارد. هدف اصلی از این تجزیه و تحلیل، در نظر داشتن توزیع و عدالت در طراحی پروژه‌های جنگل کاری و تصمیم‌سازی علمی آن است. دست اندرکاران ذی نفع یک برنامه کسان‌ی هستند که بر حسب دستیابی به خواسته‌های یک سازمان، بر تصمیم‌های آن سازمان تأثیر دارند یا از تصمیم‌های آن سازمان، تأثیر می‌پذیرند (آسافو آج ایی، ۲۰۰۲). برای انجام تجزیه و تحلیل دست اندرکاران و کارشناسان ادارات ذی نفع و در نظر گرفتن خواسته‌های آنان در فرآیند تصمیم‌سازی برای اجرا و کنترل طرح‌های جنگل کاری و غنی سازی زیر اشکوب جنگل در منطقه مورد مطالعه، گروهی از افراد شامل کارشناسان دفتر صیانت اداره کل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد، کارشناسان اداره جنگل‌داری و جنگل کاری اداره کل منابع طبیعی استان، کارشناسان اداره حفاظت و حمایت اداره کل منابع طبیعی استان، کارشناسان مرکز تحقیقات منابع طبیعی و کشاورزی استان، کارشناسان واحد جنگل‌داری و جنگل کاری اداره منابع طبیعی شهرستان بویراحمد، کارشناسان ذخایر طبیعی و تنوع زیستی اداره کل محیط زیست استان، کارشناسان اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بویراحمد، کارشناسان اداره کل امور عشایر استان، کارشناسان امور دام جهاد کشاورزی استان و کارشناسان معاونت گردشگری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان مورد مصاحبه قرار گرفتند.

در تجزیه و تحلیل نظر کارشناسان و دست اندرکاران ادارات مذکور، نظر تأثیرگذارترین افراد جهت ارزیابی مسائل اقتصادی- اجتماعی طرح‌های جنگل کاری انجام شده از سوی سازمان‌ها و ادارات فوق، با استفاده از تکمیل عدد ۱۴ پرسشنامه باز و مصاحبه‌های هدایت شده، بررسی گردید. به این ترتیب در تجزیه و تحلیل سوات، نقطه نظرهای طیفی از سوی این گروه از دست اندرکاران و ذی‌نفعان، مد نظر قرار گرفت.

کمیتی کردن تجزیه و تحلیل سوات

تجزیه و تحلیل سوات ماهیت کیفی دارد اما استفاده از تجزیه و تحلیل سوات به شکل کیفی، نمی‌تواند ارزیابی جامعی از وضعیت یک برنامه را ارائه دهد (کانگاس^۲، ۲۰۰۳). در تجزیه و تحلیل سوات به صورت کیفی فقط عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید شناسایی می‌شوند، اما اینکه در بین این عوامل کدامیک از بقیه تأثیر بیشتری دارد، امکان پذیر نیست. تجزیه و تحلیل سوات به صورت کیفی، نمی‌تواند میزان ارجحیت فاکتورها را تعیین کند. کمیتی کردن این تجزیه و تحلیل مشخص می‌کند کدامیک از عوامل، تأثیر بیشتری در فرآیندهای تصمیم‌سازی خواهند داشت. به این ترتیب راهبردها تمرکز بیشتری بر مهمترین عوامل خواهند داشت (زند بصیری، ۱۳۸۶).

1 - Stakeholders analysis

2- Kangas et al 2003

منطق روش کمی کردن در این پژوهش، استفاده از مجموع ارزش هر گزینه در تعداد تکرار نظر کارشناسان برای آن گزینه برای هر گویه در دامنه ۱ تا ۱۰ با در نظر گرفتن گزینه ۱ برای کمترین و گزینه ۱۰ برای بیشترین، استفاده شده در تجزیه و تحلیل سوات، می‌باشد. به ترتیب جدول شماره ۱-۱ و جدول شماره ۱-۲ بیانگر ماتریس عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار (نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها) بر اجرای جنگل کاری و غنی سازی جنگل از دیدگاه‌های اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی در منطقه تولگهی می‌باشد.

نتایج، بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تلفیق ارزیابی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای جنگل کاری منطقه مورد مطالعه، از دیدگاه اکولوژیکی در جدول شماره ۱-۱ و از دیدگاه اقتصادی-اجتماعی در جدول شماره ۱-۲ نشان داده شده است. فروانی (وزن) هر عامل ذکر شده در جدول تعیین کننده رتبه آن عامل در گروه یا به عبارتی دفعات تکرار آن عامل را از نظر کارشناسان و دست اندرکاران مختلف مشخص می‌نماید.

دیدگاه اکولوژیکی

همان‌طور که در جدول شماره ۱-۱ مشاهده می‌شود، از دیدگاه ارزیابی اکولوژیکی، ۷ عامل از نقاط قوت طرح‌های جنگل کاری و غنی سازی زیر اشکوب جنگل در منطقه تولگهی توسط کارشناسان و دست‌اندرکاران ادارات ذی‌نفع شناسایی گردید. پس از تحلیل اولویت بندی‌های انجام شده، از میان نقاط قوت، متغیر احیاء و تقویت پوشش جنگلی منطقه با وزن ۱۲۱ از نظر کارشناسان در رتبه اول قرار گرفت و دیگر متغیرها در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از طرفی در بین فاکتورهای نقاط ضعف موجود در جدول شماره ۱-۱ از بین ۵ فاکتور نقاط ضعف، متغیر نامناسب بودن شرایط بستر خاک جهت حیات نهال‌ها و بذور کاشته شده با وزن ۱۰۵ از نظر کارشناسان در رتبه ۱ قرار گرفت. در نهایت با توجه به جدول مذکور به ترتیب از بین تعداد ۵ عامل فرصت و تعداد ۴ عامل تهدید، متغیر غنی شدن تنوع زیستی فون و فلور در منطقه با وزن ۱۰۳ در رتبه اول و متغیر طغیانی شدن آفات و امراض جنگلی و مرتعی با وزن ۱۰۹ در رتبه اول قرار گرفتند و سایر متغیرها با توجه به جدول در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

دیدگاه اقتصادی-اجتماعی

با توجه جدول شماره ۱-۲ مشاهده می‌شود که از دیدگاه ارزیابی اقتصادی-اجتماعی در کل از بین ۶ عامل مربوط به نقاط قوت طرح‌های جنگل کاری اجرا شده، متغیر در نظر گرفته شدن مسائل معیشتی - اقتصادی مردم و افزایش توان مالی آنها با وزن ۱۱۱ در رتبه ۱ و از بین ۶ عامل مربوط به نقاط ضعف طرح‌های مذکور، متغیر استفاده عرفی از منطقه مورد مطالعه و عدم وجود تثبیت مالکیت عرصه‌ها با وزن ۱۳۰ حائز رتبه ۱ و سایر فاکتورها در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در مبحث

فرصت‌ها و تهدیدهای موجود به ترتیب هر کدام با دارا بودن ۶ و ۳ متغیر، متغیر ایجاد انگیزه بین روستائیان و کاهش مهاجرت مردم محلی به شهرها و توسعه روز افزون منطقه مورد مطالعه با وزن ۱۱۵ و متغیر آتش‌سوزی‌های صورت گرفته با منشأ انسانی که ناشی از عدم مقبولیت اجتماعی طرح‌های جنگلکاری از طرف مردم محلی و نداشتن انگیزه به دلیل هدفمند نبودن طرح‌های اجرا شده در منطقه مورد مطالعه با وزن ۱۲۸ در رتبه ۱ و سایر عوامل ذکر شده در جدول ۱-۳ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

جدول شماره ۱-۱- نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اجرا شده از دیدگاه اکولوژیکی با استفاده از تجزیه و تحلیل سوات از نظر کارشناسان

رتبه در گروه	وزن	دیدگاه اکولوژیکی	
			نقاط قوت
۴	۱۱۵	۱- جلوگیری از فرسایش خاک و تقویت حاصلخیزی خاک منطقه	*
۲	۱۱۸	۲- جلوگیری از جاری شدن سیل و تقویت منابع آب زیرزمینی منطقه	
۶	۱۰۹	۳- تعادل میکروکلیمای منطقه، تولید اکسیژن و تلطیف شدن هوا	
۱	۱۲۱	۴- احیاء و تقویت پوشش جنگلی در منطقه	
۷	۱۰۴	۵- امکان فضای مناسب جهت استراحت و گذراندن اوقات فراغت	
۳	۱۱۶	۶- امکان تولید محصولات جنگلی و مرتعی	
۵	۱۱۳	۷- ایجاد تنوع زیستی در فون و فلور منطقه	
			نقاط ضعف
۵	۹۴	۱- وضعیت نامناسب توپوگرافی عرصه‌ها مانند شیب زیاد و وجود صخره	*
۱	۱۰۵	۲- نامناسب بودن بستر خاک جهت حیات نهال‌ها و بذور کاشته شده	
۲	۱۰۳	۳- وجود آفات و امراض طفیانی در منطقه	
۳	۹۸	۴- فرسایش کمی و کیفی درختان مادری در منطقه	
۴	۱۰۰	۵- تغییرات اقلیمی در منطقه مانند خشکسالی و سرما	
			فرصت‌ها
۲	۹۹	۱- امکان تجدید حیات طبیعی پوشش جنگلی و مرتعی در منطقه	*
۴	۹۴	۲- امکان تجدید حیات طبیعی گیاهان دارویی در منطقه	
۱	۱۰۳	۳- غنی شدن تنوع زیستی فون و فلور در منطقه	
۳	۹۷	۴- کمک به تغذیه وحوش و پرندگان و جلوگیری از انقراض آنها	
۵	۹۲	۵- بالا آمدن سطح آب زیر زمینی در منطقه	
			تهدیدها
۴	۸۸	۱- آتش‌سوزی‌های صورت گرفته با منشأ عوامل طبیعی	*
۲	۱۰۷	۲- تغییرات اقلیمی، خشکسالی، باد و سرما	
۳	۹۹	۳- برهم خوردن تعادل طبیعی اکوسیستم در منطقه	
۱	۱۰۹	۴- طغیان کردن انواع آفات و امراض جنگلی و مرتعی	

* بالا ترین رتبه احراز شده گویند در هر طبقه از تحلیل سوات

جدول شماره ۱-۲- نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای طرح‌های اجرا شده از دیدگاه اقتصادی اجتماعی با استفاده از تجزیه و تحلیل سوات از نظر

کارشناسان

رتبه در گروه	وزن	دیدگاه اقتصادی - اجتماعی	
۴	۱۰۱	۱- تأمین چوب الواری و هیزم مورد نیاز روستائیان و جنگل‌نشینان منطقه	نقاط قوت
۵	۹۵	۲- تأمین محصولات فرعی جنگلی مانند میوه و صمغ جهت مصرف و فروش	
۶	۹۱	۳- تأمین علوفه جهت تغذیه دام روستائیان و عشایران ساکن منطقه	
۱	۱۱۱	۴- در نظر گرفته شدن مسائل معیشتی - اقتصادی مردم و افزایش توان مالی مردم	
۲	۱۰۷	۵- استفاده از مشارکت بومی مردم محلی منطقه در امر مدیریت و برنامه‌ریزی طرح‌های جنگل کاری	
۳	۱۰۶	۶- استفاده از نیروی انسانی مردم محلی منطقه جهت اجرای طرح‌های جنگل کاری	
۳	۱۰۸	۱- عدم تمایل همه گروه‌های مردمی در امر مشارکت و کمبود بوجه مالی در اجرای طرح‌ها	نقاط ضعف
۱	۱۳۰	۲- استفاده عرفی از منطقه مورد مطالعه و عدم وجود تثبیت مالکیت عرصه‌ها	
۴	۱۰۵	۳- عدم وجود برنامه‌ریزی، آموزش ناکافی مردم و نظام‌مند نبودن هدف طرح‌ها	
۲	۱۲۹	۴- ورود دام به عرصه‌های قرق و انجام زراعت زیر اشکوب و سایر عوامل تخریب عدوانی	
۵	۱۰۱	۵- کمبود سواد، نامناسب بودن تجهیزات و تأسیسات زیر ساختی و ارتباطی برای دسترسی به منطقه	
۶	۹۷	۶- تعارض و تضاد قومی و قبیله‌ای میان فرهنگ‌های بعضی از جوامع محلی در منطقه	
۲	۱۱۱	۱- ایجاد انگیزه در میان افراد محلی به منظور اشتغال و کسب درآمد	فرصت‌ها
۴	۱۰۷	۲- استفاده از مشارکت بومی مردم و تلفیق آن با دانش متخصصان و کارشناسان	
۱	۱۱۵	۳- ایجاد انگیزه بین روستائیان و کاهش مهاجرت آنها به شهرها و توسعه روز افزون روستا	
۶	۹۹	۴- بهبود وضعیت توریسم و جذب گردشگر و ارتقاء فرهنگ منابع طبیعی مردم منطقه	
۵	۱۰۰	۵- ایجاد بنگاه‌ها و تعاونی‌های مربوط به بخش کشاورزی و منابع طبیعی در منطقه	
۳	۱۰۹	۶- بهبود عملکرد اداره منابع طبیعی و پیمانکاران اجرایی طرح‌های جنگل کاری	
۳	۱۲۲	۱- تصمیم سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی و عدم هماهنگی بخش تحقیق و اجرا	تهدیدها
۲	۱۲۶	۲- آتش‌سوزی‌های صورت گرفته ناشی از وجود تضاد قومی و قبیله‌ای در منطقه	
۱	۱۲۸	۳- آتش‌سوزی‌های صورت گرفته ناشی از عدم مقبولیت اجتماعی طرح‌های جنگلکاری از طرف مردم محلی و هدفمند نبودن اجرای طرح‌های اجرا شده در منطقه	

* بالا ترین رتبه احراز شده گویند در هر طبقه از تحلیل سوات

هدف های اجرای پروژه های احیاء و تقویت عملیات احیایی جنگل (زیر پروژه جنگل کاری، غنی سازی جنگل و زیر اشکوب آن) در منطقه تولگهی شامل حفظ وضع موجود جنگل ها، حفظ ذخایر جنگلی و پوشش گیاهی منطقه، غنی سازی و توسعه جنگل های منطقه، بهره برداری مستمر از منابع موجود، فراهم نمودن شرایط زیست محیطی برای کلیه عوامل حیاتی موجود در منطقه و فراهم نمودن زمینه مشارکت با مردم منطقه است (طرح جنگل کاری چند منظوره تولگهی، ۱۳۸۴). با توجه به نظر کارشناسان و دستدرکاران اداره های ذی نفع از دیدگاه اکولوژیک، نقاط قوت طرح های جنگل کاری انجام شده را احیاء و تقویت پوشش جنگلی منطقه شناسایی کردند. این مبحث همسو با اهداف پروژه های احیاء و تقویت عملیات احیایی جنگل در منطقه مورد مطالعه است اما باید به این مقوله توجه کرد که زمانی یک طرح با موفقیت همراه است که طراحی، اجرا و مدیریت طرح در ارتباط با اهداف تعیین شده باشد. در این راستا ارزیابی طرح های انجام شده جنگل کاری، بسیاری از عوامل و پیامدهای مثبت و از طرفی مسائل و مشکلات و چالش های موجود در رسیدن به اهداف مشخص شده را برای ما روشن می سازد. در نظر گرفتن معیارها و ضوابطی صحیح برای ارزیابی و تجزیه و تحلیل مشاهدات انجام شده باعث شناخت محدودیت ها، قابلیت ها و چالش های پیش و روی این گونه طرح ها شده و به ارائه راهکارهای مدیریتی صحیح برای بهبود اجرای طرح های جنگل کاری و غنی سازی جنگل خواهد شد. در نتیجه از شکست احتمالی طرح ها و از دست دادن سرمایه ها و فرصت ها تا حد امکان جلوگیری شده و در نهایت به دستاوردهای اکولوژیکی-زیست محیطی و اقتصادی-اجتماعی در سطح منطقه می انجامد.

از دیدگاه جنگل شناسی و اکولوژیکی، هارتلی^۱ (۲۰۰۲) معتقد است که توجه به پایداری اکولوژیکی گونه ها و عوامل جنگل شناسی و اهمیت زیست محیطی جنگل کاری ها با تکیه بر دانش بومی و تأثیر آنها بر ساختار جوامع بومی، باید امروزه در ارائه الگوهای نوین جنگل کاری مدنظر قرار گیرد. همچنین بررسی فون و فلور، رستنی های طبیعی، تشخیص جوامع گیاهی و تجزیه و تحلیل سرشت اکولوژیکی هر یک از گونه های گیاهی، از جمله مواردی هستند که ما را در انتخاب گونه جهت جنگل کاری یاری می کند (آنون^۲، ۲۰۰۴). جزیره ای (۱۳۸۱) معتقد است که گونه هایی که در جنگل کاری مورد استفاده قرار می گیرند، ضمن تأمین نیازهای چوبی باید قادر به تأمین سایر احتیاجات غیرچوبی جمعیت فعلی و نسل آینده نیز باشند که در هر منطقه با توجه به اقلیم و خاک و شرایط اقتصادی-اجتماعی منطقه و با در نظر گرفتن امکانات موجود، می توان گونه های درختی و درختچه ای مناسب را انتخاب و نسبت به جنگل کاری اقدام نمود. کنشلو (۱۳۸۰) بیان می دارد که در انتخاب گونه در جنگل کاری سه عامل اصلی هدف، عوامل محیطی یا اکولوژیکی و عوامل اقتصادی-اجتماعی نقش دارند. بنابراین توجه به مباحث ذکر شده در مورد نقاط قوت احیاء و تقویت پوشش گیاهی منطقه تولگهی و سایر نقاط قوت ذکر شده در جدول ۱-

1 - Hartley

2 - Anon

۱ از دیدگاه اکولوژیک زمانی تحقق می‌یابد که هدف، نوع گونه، شرایط جنگل‌شناسی گونه و شرایط نهالستان مد نظر قرار گرفته شده باشند. مسئله انتخاب گونه، آماده کردن زمین، کود دهی، عملیات پرورشی و غیره در مناطق جنگلی با مناطق غیر جنگلی تفاوت زیادی دارد و باید بر اساس هدف و نوع جنگل کاری روش مناسب را اتخاذ کرد (مروی مهاجر، ۱۳۸۴).

در مبحث نقطه ضعف نامناسب بودن بستر خاک جهت تجدید حیات نهال‌ها و بذور کاشته شده باید اشاره کرد که در اکثر مناطق جنگلی زاگرس به جز زیر اشکوب جنگل، مرتع یا فضای دیگری برای چرانیدن دام‌ها وجود ندارد و همزمان با آب شدن برف‌ها در سطح زمین، تردد دام نیز شروع شده و تا آغاز برف در فصل آینده چرای بی وقفه دام‌ها در سطح جنگل‌ها ادامه می‌یابد. این امر باعث کاهش حاصلخیزی خاک، کمی علوفه در سطح جنگل و حتی کمی تولیدات دام‌ها می‌گردد (فتاحی، ۱۳۷۳). به نظر می‌رسد این مشکل در چرای دام نیست، بلکه مشکل کمبود علوفه است. برای حل این چالش مهم، خروج دام از جنگل کفایت نمی‌کند بلکه لازم است غذای دام از خارج از جنگل تامین شود؛ حل این مشکل در توان مردم محلی نیست و مساعدت مدیریت اجرایی را طلب می‌نماید. برای به حداقل رساندن ضعف کمبود تجدید حیات جنسی در منطقه مورد مطالعه، لازم است تا روی تکنیک‌های بهره‌برداری از جنگل‌های شاخه زاد تکیه شود. همچنین نظام‌مند کردن برداشت‌ها در گرو طراحی تشکل‌های مردمی برای فعالیت مردم محلی بر مبنای کنترل اجتماعی و درون گروهی بین جامعه محلی می‌باشد. بدیهی است هر قدر کنترل اجتماعی جامعه محلی بهتر صورت پذیرد نیاز به کنترل بیرونی کمتر می‌گردد. با توجه به جدول شماره ۱-۱ مشاهده می‌شود که از بین فرصت‌های اکولوژیک، فاکتور غنی شدن تنوع زیستی فون و فلور در منطقه دارای اهمیت بیشتری است. باید خاطر نشان کرد که از عوامل مهم عدم ایجاد تنوع زیستی در جنگل‌های زاگرس می‌توان به نبود بستر مناسب در اثر فرسایش خاک، چرای دام و کمبود درختان مادری اشاره کرد و غنی شدن جوامع گیاهی و جانوری و تجدید حیات فون و فلور در منطقه در گرو حل مشکلات ذکر شده است (مروی مهاجر، ۱۳۸۴). در مبحث تهدیدهای اکولوژیک در اجرای طرح‌های جنگل کاری صورت گرفته در مورد مسئله تهدید طغیانی شدن آفات جنگلی و مرتعی در منطقه مورد مطالعه باید خاطر نشان کرد که اکوسیستم جنگل دارای نظام پویا و پیچیده است و کلیه روابط اکولوژیک از ساده‌ترین تا مشکل‌ترین آنها بین گیاهان، جانوران و محیط اطراف آن وجود دارد. یک جنگل طبیعی همیشه قادر به ادامه حیات به طور مستقل و بدون دخالت انسان می‌باشد. طی بررسی‌های میدانی از منطقه مورد مطالعه مشاهده گردید که آفات برگ‌خوار، پوست‌خوار، چوب‌خوار و انواع قارچ‌های مخرب نظیر زنگ بنه به حالت طغیانی درآمده‌اند و موجب تنش در جوامع جنگلی منطقه و در نهایت موجب خشک شدن آنها گردیده است. یک حشره زمانی به عنوان یک آفت طغیانی مطرح می‌شود که با دخالت انسان، اکوسیستم منطقه از حالت پویایی خارج و حالت شکننده‌گی به خود گرفته باشد. در این حالت تراکم زیاد حشره آفت و تغذیه آنها سبب

خسارت کمی و کیفی پوشش جنگلی می‌شود. دلایل نظیر تغییرات اکولوژیکی، تراکم گیاهان، مدیریت نادرست عرصه، ورود ناخواسته آفت و تغییرات اقتصادی - اجتماعی در وضعیت یا حالت اثرات آفت مهم هستند (خانجانی و همکاران، ۱۳۸۷). با توجه به جدول شماره ۱-۱ عوامل اکولوژیک فرسایش کمی و کیفی درختان مادری در منطقه، تغییرات اقلیمی نظیر خشکسالی، سرما، بادهای سوزان در فصل خشک و برهم خوردن تعادل طبیعی اکوسیستم در منطقه از یک سو و از سوی دیگر با توجه به جدول شماره ۱-۲ مشاهده می‌شود که فاکتورهای اقتصادی - اجتماعی عدم وجود برنامه‌ریزی صحیح، آموزش ناکافی مردم و نظامند نبودن هدف طرح‌های اجرا شده، ورود دام به عرصه‌های قرق، زراعت زیر اشکوب و سایر عوامل تخریب عدوانی، تصمیم سازی‌های نامناسب مدیریت اجرایی و عدم هماهنگی بخش تحقیقات و اجراء، آتش‌سوزی‌های صورت گرفته ناشی از وجود تضاد قومی و قبیله‌ای، کمبود انگیزه و عدم مقبولیت اجتماعی همگی موجب شکنندگی اکوسیستم جنگلی منطقه و طغیان آفات جنگلی و مرتعی گردیده است.

از دیدگاه اقتصادی - اجتماعی نظر کارشناسان و دست‌اندرکاران ادارات ذی‌نفع بیشتر به سوی عامل نقطه قوت در نظر گرفته شدن مسائل معیشتی - اقتصادی مردم، ایجاد اشتغال و افزایش توان مالی مردم ناشی از اجرای طرح‌های جنگل‌کاری معطوف شده است. استفاده از نیروی انسانی مردم محلی در مدیریت جنگل بزرگترین نقطه قوت مدیریت سنتی است. با تعیین یکان‌های مدیریت و برنامه‌ریزی جنگل، اکوسیستم جنگل تنها یک اکوسیستم طبیعی نخواهد بود بلکه به عنوان یک سازمان با اهداف و برنامه‌های سازمانی مطرح می‌شود (مرکز پژوهش و توسعه جنگلداری زاگرس شمالی، ۱۳۸۶). هر برنامه‌ای که در این سازمان اجرا می‌گردد بر عوامل انسانی آن تاثیر خواهد گذاشت. پذیرش نقش مردم محلی در مدیریت جنگل‌کاری‌های ایجاد شده در منطقه مورد مطالعه، باعث حمایت مردم محلی منطقه از فرآیندهای تصمیم‌سازی مدیریت اجرایی می‌گردد که به نوبه خود باعث ایجاد یک مدیریت مبتنی بر مشارکت می‌گردد. این سبک مدیریت، ارتقای روحیه و رضایت‌مندی مردم محلی منطقه را در پی خواهد داشت. به این ترتیب، در طرح‌های جنگل‌داری و جنگل‌کاری در منطقه باید به جای رودرویی با مردم محلی، از حداکثر کارایی ایشان بهره‌برداری شود. استفاده از نقش عوامل انسانی، مهمترین نقطه قوت مدیریت سنتی در مدیریت بهتر طرح‌های اجرا شده است که باید در رأس برنامه‌ریزی راهبردی برای این طرح‌ها قرار گیرد. از طرفی تامین مایحتاج اقتصادی مردم محلی در جنگل‌های زاگرس اهمیت خاصی دارد زیرا زندگی مردم ساکن در جنگل‌های زاگرس نسبت به سایر مناطق جنگلی پیچیده‌تر و سخت‌تر است. مردم محلی این جنگل‌ها ناچارند برای رفع نیازهای خود با طبیعت خشن دست و پنجه نرم کنند تا معاش خود را با تلاشی بیش از حد فراهم کنند (فتاحی و همکاران، ۱۳۷۹). برنامه‌های مدیریت سنتی مردم محلی ساکن جنگل، سازگار با تامین مایحتاج

اقتصادی آنان می‌باشد (غضنفری، ۱۳۸۲). بنابراین مدیریت سنتی طرح‌های جنگل کاری صورت گرفته یک مدیریت موثر و سازگار در استفاده از پتانسیل‌ها، تامین مایحتاج اقتصادی و پایداری مردم محلی در جنگل‌های منطقه تولگی می‌باشد. مهمترین عامل در مجموعه نقاط ضعف طرح‌های جنگل کاری اجرا شده از دیدگاه اقتصادی- اجتماعی عامل استفاده عرفی از منطقه مورد مطالعه و عدم وجود تثبیت مالکیت عرصه‌ها در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. بعد از آن عامل ورود دام به عرصه‌های قرق، انجام زراعت زیر اشکوب و سایر عوامل تخریب عدوانی، و در رتبهٔ عامل عدم تمایل مردم منطقه در امر مشارکت در کلیه فرآیند تصمیم‌گیری، اجرا و کنترل طرح‌های اجرا شده و کمبود بودجه مالی در اجرای طرح‌ها و در رتبه چهارم و پنجم، عدم وجود برنامه‌ریزی، آموزش ناکافی مردم و نظامند نبودن هدف طرح‌ها، کمبود سواد مردم محلی، نامناسب بودن تجهیزات و تأسیسات زیر ساختی و ارتباطی، تعارض و تفاوت قومی و قبیله‌ای میان فرهنگ‌های جوامع محلی در منطقه همگی از نقاط ضعف هائز اهمیت می‌باشند. زمانی نقاط ضعف مذکور به حالت تعادل می‌رسند که به صورت بهینه از دانش بومی مردم محلی در مدیریت جنگل و حمایت انسان از اکوسیستم استفاده شود و لازمهٔ این کار در نظر گرفتن مایحتاج اقتصادی مردم می‌باشد. به نظر می‌رسد این عوامل به پایداری مردم محلی در جنگل، مربوط می‌گردند. از دیدگاه علوم جنگل، حفظ پایداری مهم ترین هدف است. اما اصول پایداری تنها از دیدگاه طبیعت و محیط زیست کافی نیست. دامداران و جنگل‌نشینان باید انگیزه اقتصادی کافی برای همکاری داشته باشند (آقازمانی، ۱۳۸۱). سازگار نبودن برنامه‌ها و طرح‌ها با نیازهای روستاییان و عدم انگیزه مادی برای جلب مشارکت از مهم‌ترین موانع موجود در زمینه حفاظت از جنگل‌ها می‌باشند (شریعتی و همکاران ۱۳۸۴). از سوی دیگر آموزش ناکافی مردم محلی منطقه در مسایل زیست محیطی و حفاظت از منابع طبیعی بزرگترین نقطه ضعف این امر است. طبق ارزیابی‌های صورت گرفته از جوامع محلی منطقه مورد مطالعه این گونه برداشت گردید که تاکید پاسخگویان به پرسشنامه و مصاحبه‌ها بر فقر آموزش میان مردم محلی نشان از آن دارد که آنچه مطلوب حفاظت از جنگل‌هاست داشتن مدارک آموزشی نیست؛ بلکه مهم، طی کردن دوره‌های آموزشی حفاظت جنگل کاری‌ها برای مردم منطقه می‌باشد. این موضوع بزرگترین نقطه ضعف در مدیریت سنتی در اجرای طرح‌هایی جنگل کاری در زاگرس گزارش می‌گردد (فتاحی، ۱۳۷۳).

بنابراین لازم است مدیریت اجرایی با استفاده از کارشناسان جنگلداری، به صورت دوره‌ای نسبت به آموزش‌های زیست محیطی و حفاظت از منابع طبیعی در میان جوامع محلی اقدام نماید. همچنین افزایش جمعیت در ترکیب با زراعت و دامپروری سنتی، از دست دادن تجدید حیات جنسی و نظامند نبودن برداشت‌ها از دیگر نقاط ضعف مدیریت جنگل هستند (شریعتی و همکاران، ۱۳۸۴).

از بین فرصت‌های اقتصادی- اجتماعی موجود با توجه به جدول شماره ۱-۲ فاکتور ایجاد انگیزه بین روستائیان، کاهش مهاجرت به شهرها و توسعه روز افزون روستا و بعد از آن فاکتور ایجاد انگیزه در میان افراد محلی منطقه به منظور اشتغال و کسب درآمد به عنوان مهم‌ترین عامل از دیدگاه کارشناسان شناسایی گردیدند. استفاده از پتانسیل‌های مردم محلی برای عملیاتی کردن طرح‌های جنگل‌داری محلی، صرفه جویی در بودجه پرسنلی، پیمانکاران، بهره برداران و مهندسين مشاور برای مدیریت اجرایی جنگل‌های کشور فرصت کاهش هزینه‌های اداره جنگل را فراهم می‌آورد (امانی، ۱۳۸۳). با این مباحث است که زمینه ایجاد اشتغال در منطقه شکل می‌گیرد زیرا زمانی بودجه کافی از سوی ادارات ذی- ربط جهت اجرای طرح‌های جنگل‌داری وجود داشته باشد و جوامع محلی نیز جز نیروی انسانی در اجرای طرح‌ها باشند، در آنها نوعی انگیزه مالکیت خصوصی به وجود می‌آید و خود آنها در زمینه حفاظت و حمایت طرح‌ها احساس مسئولیت می‌کنند. در راستای مشارکت بیشتر جوامع محلی جهت اجرای طرح‌های جنگلداری توصیه می‌شود جنگل نشیان در تدوین، برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل طرح جنگلداری بیشتر دخالت داده شوند و آنان از سود ناشی از مشارکت در طرح جنگلداری اطمینان حاصل نمایند (پیرزادیان و همکاران، ۱۳۸۸).

از طرفی استفاده از جامعه محلی به عنوان میزبان گردشگران در جهت تدوین و اجرای برنامه‌های گردشگری یک ضرورت می‌باشد زیرا در بهترین شرایط، اگر مردم محلی پذیرای گردشگران نباشند برنامه‌های توسعه گردشگری توفیقی نخواهند داشت (کاظمی، ۱۳۸۶).

برای موفقیت بیشتر طرح‌های جنگل‌داری از لحاظ اقتصادی توصیه می‌گردد توان اقتصادی خانوارهای جنگل نشین از طریق کمک‌های جنبی بلاعوض، توسعه کشاورزی (زراعت و باغات) و طرح‌های تبدیلی، تولیدی و صنعتی نظیر احداث کارگاه‌های کوچک صنعتی افزایش یابد. همچنین توصیه می‌شود در جهت ایجاد و گسترش اشتغالزایی در منطقه مورد مطالعه به منظور جذب نیروهای مازاد و بیکار در مناطق جنگلی به توسعه صنایع تبدیلی، پرورش زنبور عسل، تبدیل دام سبک به دام سنگین، صنایع دستی و استخر پرورش ماهی توجه ویژه ای مبذول گردد.

و در نهایت مهمترین عامل در مجموعه تهدیدها و تنگناها طرح‌های جنگل‌داری اجرا شده از دیدگاه اقتصادی-اجتماعی عامل آتش‌سوزی‌های صورت گرفته ناشی از عدم مقبولیت اجتماعی طرح‌های جنگل‌داری از طرف جوامع محلی و تضادهای قومی و قبیله‌ای از دیدگاه کارشناسان به عنوان مهم‌ترین فاکتور تهدید شناسایی شدند. طبق بررسی‌های میدانی صورت گرفته از منطقه جنگل‌داری تولگهی، منطقه‌ای به وسعت حدود ۲۰۰ هکتار در تابستان ۱۳۹۰ طعمه حریق گردیده است که این مبحث خود زمینه بررسی و پژوهش بیشتری را در جهت عوامل انسانی آتش‌سوزی رخ داده می‌طلبد. پیرزادیان و همکاران (۱۳۸۸) در مورد بررسی میزان مشارکت جنگل‌نشینان در اجرای فعالیت‌های طرح‌های جنگل‌داری

نشان داد که بیشترین میزان مشارکت افراد مورد مطالعه در زمینه پیشگیری و کمک به اطفاء حریق بوده است. این مطلب بیانگر آن است که در واقع مردم ذاتاً از موضوع آتش‌سوزی و تخریب جنگل احساس نارضایتی دارند و در مواردی هم در اطفاء حریق با اداره منابع طبیعی مشارکت دارند. اما ممکن است که به دلیل وجود مشکلات معیشتی، نداشتن سوخت فسیلی و گران بودن آن در منطقه مورد مطالعه، مجبور به اقدام آتش‌سوزی عمدی جهت برداشت چوب درختان سوخته و تامین سوخت مورد نیاز خود در فصول سرد سال باشند. از طرفی به دلیل اشتغال مردم منطقه به کشاورزی و ارزشمند بودن قیمت زمین زراعی در منطقه، مردم با ایجاد آتش‌سوزی و از بین بردن پوشش جنگلی منطقه، اقدام به تصاحب زمین جهت مصارف مختلف می‌کنند. به جز این عوامل مهمترین عامل آتش‌سوزی منطقه ناشی از عدم مقبولیت اجتماعی طرح‌های جنگلکاری از طرف مردم محلی و تضادهای قومی و قبیله‌ای افراد ساکن منطقه مورد مطالعه می‌باشد. برداشت ما از این موضوع این است که دولت تا حدودی در مدیریت طرح‌های جنگل کاری اجرا شده نقش داشته است. این مسئله حاکی از آن است که دولت در ایجاد ارتباط با مردم تا حدی ضعیف عمل نموده که این ضعف سبب سلب اعتماد مردم از دولت شده است. نگرش مردم محلی منطقه نسبت به مشارکت با دولت در زمینه مدیریت جنگل و جنگل کاری‌های انجام شده و عوامل اثرگذار بر آن است که تا زمانی که دولت نتواند اعتماد سلب شده را به مردم باز گرداند بحث مشارکت دائمی و متقابل با مردم منتفی است. آنچه که واضح است، مردم تا زمانی که نتوانند میان نیازهای خود و اهداف مدیران نقطه مشترکی یابند حاضر به همکاری با اداره منابع طبیعی نخواهند بود. جایی که ادارات ذی نفع به وعده‌های خود عمل نمایند مردم با امیدواری حاضر به همکاری خواهند بود. خواسته‌های اساسی مردم تامین سوخت به میزان نیاز و تامین علوفه مورد نیاز دام‌هایشان می‌باشد. در کنار این مشکلات مسئله نبود جاده بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. دولت با بر طرف کردن این مشکلات می‌تواند راهی به سوی جلب اعتماد مردم و مقبولیت اجتماعی بیابد.

برخی از استراتژی‌های مهم جهت حل این تعارضات می‌تواند با ایجاد حسن اعتماد بین ساکنان مردم منطقه و اداره منابع طبیعی و ایجاد شرکت‌های تعاونی امکان پذیر باشد. مردم محلی مطمئن نیستند که جنگل کاری‌های انجام شده و فواید آن در آینده به فرزندان آنها برسد. اداره کل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویر احمد و اداره منابع طبیعی شهرستان بویر احمد باید مردم منطقه را قانع و مطمئن کنند که همان طور که اراضی جنگلی منطقه تحت عنوان سامان عرفی به صورت ارثی به آنها رسیده است در آینده نیز طرح‌های اجرا شده نیز به این صورت خواهد بود. برای جلوگیری از استفاده از چوب درختان به عنوان هیزم، دولت با در اختیار قرار دادن سوخت‌های فسیلی با پرداخت یارانه نیاز آنها به سوخت را تامین کند.

با اطلاع رسانی به مردم محلی منطقه این نکته را گوشزد می‌کنیم که جنگل در حال نابودی است و این مسئله را برای آنها با زبانی ملموس و قابل فهم بیان می‌کنیم. مردم محلی برای توجیه این فعالیت‌ها در عرصه‌های جنگل‌کاری شده مسئله فقر مالی و وابستگی معیشتی خود را که دور از واقعیت نیست بیان می‌کنند و عنوان می‌کنند در صورت حل یکسری مشکلات آنها، مشکل تخریب جنگل و عرصه‌های جنگل‌کاری تحت قرق تا حدی رفع خواهد شد.

تعارضات بین خواسته‌ها و قوانین می‌تواند با یکسری تدابیری از سوی ادارات ذیربط (دولت) و همکاری جامعه محلی حل شود. ما به عنوان جنگلبان از مردم محلی این انتظار را داریم که فعالیت‌هایی را که باعث تخریب و از بین رفتن ساختار جنگل و جنگل‌کاری‌های انجام شده می‌شود، متوقف کنند. همچنین خواسته مردم محلی، تامین نیازهایشان از سوی دولت است تا مجبور نشوند نیازشان (نیاز سوختی و علوفه‌ای) را از جنگل تامین کنند. در مدیریت جنگل در کنار مسائل فنی جنگل‌داری و جنگل‌شناسی به موضوعات اقتصادی- اجتماعی و معیشتی جوامع محلی منطقه توجه کافی گردد تا بتوان طرح‌های قابل اجرا و موفقیت آمیز را برای عرصه تهیه نمود که عدم قطعیت‌ها را کاهش دهد.

پیشنهادها

در پایان نتایج پیامدهای منفی ارزیابی چالش‌های اقتصادی- اجتماعی جنگل‌کاری‌های منطقه تولگه‌ی، عدم مقبولیت اجتماعی و کمبود اعتماد و انگیزه مردم به اهداف اجرایی طرح به عنوان بزرگترین تهدید مدیریت طرح‌های اجرا شده بیان می‌گردد. امانی (۱۳۸۳)، نیز نادیده گرفتن نقش مردم محلی در هدف‌گذاری‌ها و ایجاد و تقویت یک بدبینی آشکار از جانب آنان نسبت به مدیریت اجرایی را گزارش کرده است. برطرف کردن این تهدید نیازمند متحول شدن نحوه بررسی‌های اجتماعی و استفاده از مردم محلی در بالاترین ترازهای تصمیم‌سازی می‌باشد. رفع موانع گزارش شده در مدیریت سنتی در گرو محترم شمردن حقوق مردم محلی، آموزش‌های زیست محیطی و مدیریتی برای طراحی سیستم‌های کنترل درون گروهی و اصلاح فرآیندهای تصمیم‌سازی در جهت تعامل با مردم محلی و ایجاد انگیزش در آنان برای اداره موثر طرح‌های جنگل‌کاری و غنی‌سازی زیراشکوب جنگل است. اصلاح نقاط ضعف و به حداقل رساندن این ضعف‌ها و تهدیدها، مدیریت سنتی طرح‌های اجرا شده را به جنگل‌داری پایدار محلی تبدیل می‌نماید. این مدیریت رویکردی برای استفاده از مزیت مدیریت مشارکتی و به طور توأم مد نظر قرار دادن مردم محلی در منافع حاصل از مدیریت جنگل‌ها و منابع جنگلی زاگرس می‌باشد.

منابع

۱. آسافو آج‌ایی، ج. (۲۰۰۲). اقتصاد محیط زیست برای غیر اقتصاددانان. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
۲. ابراهیمی رستاقی، م. (۱۳۸۴). نقش سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در مدیریت و حفاظت جنگل‌های خارج از شمال. مجموعه مقاله‌های همایش حفاظت از جنگل‌ها و مدیریت پایدار. انجمن جنگلبانی ایران.

۳. امانی، م. (۱۳۸۳)، عملیاتی کردن جنگلداری محلی در مدیریت جنگلهای کشور. مجله جنگل و مرتع، شماره ۶۵.
 ۴. آقازمانی، ج. (۱۳۸۱)، راهبرد مدیریت پایدار جنگلهای زاگرس. مجله جنگل و مرتع، شماره ۵۴.
 ۵. پیرزادیان، الف.، عادل، الف و هادی کیادلیری. (۱۳۸۸)، بررسی جایگاه جوامع محلی در اجرای طرح صیانت و توسعه جنگلهای زاگرس (مطالعه موردی استان کرمانشاه). انجمن جنگلبانی ایران، سومین همایش ملی جنگل.
 ۶. جزیره‌ای، م. ح. (۱۳۸۱)، جنگل کاری در خشکبوم. انتشارات دانشگاه تهران.
 ۷. جزیره‌ای، م. ح. و م. ابراهیمی رستاقی. (۱۳۸۲)، جنگل شناسی زاگرس. انتشارات دانشگاه تهران.
 ۸. خانجانی، م.، خلقانی، ج. (۱۳۸۷)، اصول کنترل آفات. سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی.
 ۹. زند بصیری، م. (۱۳۸۶)، کمیتهی کردن تجزیه و تحلیل سوات با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی. سمینار کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان..
 ۱۰. شریعی، م.، زیاد بخش، س. و ورامینی، ن. (۱۳۸۴)، عوامل موثر بر مشارکت روستاییان جنگلشنین در حفظت از جنگلهای شمال و غرب کشور. مجله جنگل و مرتع، شماره ۶۷.
 ۱۱. طرح جنگلداری چند منظوره نول‌گهی. (۱۳۸۴)، سازمان جنگلها و مراتع و آبخیزداری کشور، اداره کل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویر احمد، شرکت نوآوران توسعه حیات سبز، ۹۷ صفحه.
 ۱۲. غضنفری، ه. (۱۳۸۲)، بررسی رویش و تغییرات پراکنش قطری در توده های ویول-مازودار به منظور ارائه الگوی تنظیم جنگل در منطقه بانه (مطالعه موردی هواره خول). رساله دکتری، دانشگاه تهران.
 ۱۳. فتاحی، م. (۱۳۷۳)، بررسی جنگلهای بلوط زاگرس و مهمترین عوامل تخریب آن. موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، نشریه ۱۰۱، ۶۳ صفحه.
 ۱۴. فتاحی، م.، انصاری، ن.، عباسی، ح. و خان حسنی، م. (۱۳۷۹)، مدیریت جنگلهای زاگرس، انتشارات موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع، شماره انتشار ۴۷۱،
 ۱۵. کاظمی، م. (۱۳۸۶)، مدیریت گردشگری. انتشارات سمت، شماره انتشارات ۱۰۲۸،
 ۱۶. کنشلو، ه. (۱۳۸۰)، جنگل کاری در مناطق خشک. موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع..
 ۱۷. مرکز پژوهش و توسعه جنگلداری زاگرس شمالی. (۱۳۸۶)، طرح جنگلداری چند منظوره باتاکید بر ساماندهی و مدیریت گلزنی در حوزه آرمرده.
 ۱۸. مروی مهاجر، م. ر. (۱۳۸۴)، جنگل شناسی و پرورش جنگل. انتشارات دانشگاه تهران.
1. Kajanus, M., J. Kangas, and M. Kurtilla. 2004. The use of value focused thinking and the A,WOT hybrid method in tourism management. *Tourism Management*, 25:499-506.
 2. Srivastata, P. K., K. Kulshreshtha, C.S. Mohanty, P. Pushpangadan, and A. Singh. 2005. Stakeholder-based SWOT analysis for successful municipal solid waste management in Lucknow, India. *Wast management*, 25: 531-537.
 3. Kangas, J., M. Kurtilla, M. Kjanus and A. Kangas. 2003. Evaluating the management strategies of a foresland estate – the S-O-S approach. *Environmental management*, 69:349-358.
 4. Hartley, J.H., 2002. Rationale and methods for conserving biodiversity in plantation forests, *Forest Ecology and Management* 155: 81-95.
 5. Anon, 1985. Tree Plantation in Alkali Soil. Central Soil Salinity Research Institute, Karnal , 2: 145-156.
 - Conley, A., and M.A. Moote. 2003. Evaluating Collaborative Natural Resource